

# آیا علم به تنهایی می تواند بشریت را نجات دهد؟

درواقع علم امروز بجای اینکه وسیله سازنده فرد و اجتماع بشری باشد اکنون بصورت وسیله ای مخرب و ویرانگر و عامل نابودی سعادت بشری درآمده و بسان چراغی شده است در دست راهزنی بهنگام شب که با داشتن چراغ، بیشتر توانائی پیدا کرده است که دستبرد باموال مردم بزند.

اروپائیان انتظار داشتند که پیشرفت علم، مدینه فاضله ای را که فیلسوف برجسته و معروف یونانی (افلاطون) آن را در خیال خویش ترسیم کرده بود بزودی برای مردم غرب به ارمغان بیاورد. اما متأسفانه با آنکه علم بمدارجی از ترقی و تعالی رسید، نه تنها مدینه فاضله ای که انتظارش را می کشیدند بوجود نیامد، بلکه برعکس مدینه رذائل و محیطی دیوودد پرور برایشان بوجود آورد.

در اجتماع متمدن کنونی که علم در اوج پیشرفت و ترقی است و اغلب افراد آن تحصیل کرده هستند،

گرچه پیشرفت علوم طبیعی، بشر متمدن قرن بیستم را بظاهر از خرافات و تاریکیهای قرون وسطائی نجات بخشید و توانست عصر صنعتی را ایجاد کند و بشر در سایه ترقی علم و تکنیک بزندگی بهتری برسد و گرچه علم توانست بشر را تا حدودی از بیماریهای صعب العلاج رهائی بخشد و او را بر سرمایه های خدادادی دودل طبیعت و منابع ثروت زیرزمینی و دریائی حاکم و مسلط گرداند و آسمانها را اجولانگه او قرار دهد اما چنین علمی چون در مسیر پیشرفت خود عاری از تعالیم اخلاقی است و بدون حمایت و پشتوانه معنویت و مذهب پیش میرود با بن بست شدیدی روبرو شده است و این بن بست علی رغم خوشبینی و امیدواری به آینده و دور نمای زیبای پیشرفت علم و صنعت، بصورت نارضایتی و ناآرامی، احساس تیره بختی شدید در میان طبقات مختلف مردم قرن بیستم بطور محسوس مشاهده میشود.

آلمان اولین کسی است که دفتر مشاوره تلفنی تاسیس کرد تا هر کس قصد خودکشی دارد بوسیله تلفن با او تماس بگیرد و مشورت کند. وی علت اصلی خودکشی را بیماری روانی و افسردگی و مانند آن می‌داند (۱) هم اکنون در جوامع غربی خیرخواهی و عاطفه انسان‌دوستی رخت بر بسته هلائق و روابط دوستانه خانوادگی و فامیلی از هم گسیخته است، کارها و فعالیت‌های خارج از خانه سبب شده والدین فراغت و امکان نداشته باشند تسابه وضع زندگی و تربیت فرزندان خود برسند و جوایبگویی نیازمندی‌های واقعی آنها باشند، اعضای يك خانواده رفتار بیگانه با یکدیگر دارند و مهر و عاطفه پدر و فرزندی کاهش یافته است. بدیهی است جوانان و فرزندان چنین والدینی چون احساس بیگانگی و بی‌بناهی می‌کنند و با کمبود محبت والدین روبرو هستند مسلم است که به راه‌های انحرافی و سقوط گرایش پیدا می‌کنند و عناصری فاسد باری آیند و پیدایش باندهای جوانان تبهکار در آن‌سازمان مویده مطلب فوق است.

یکی دیگر از نشانه‌های درماندگی علم (عاری از معنویت و مذهب) از اصلاح فرد و جامعه، طغیان و عصیان روزافزون جوانان اجتماعات ممالک با اصطلاح پیشرفته، بویژه آمریکا و اروپا است و این دلیل بارزی است بر ضد تمدن ماشینی و نارضایتی از زندگی تو خالی در رهبری، انسانها.

طغیانها و عصیانگری جوانان غربی بر ضد تمدن، اکنون بصورت هیپی‌گری، ایجاد باندهای تبهکاری، گانگستری، انحرافات جنسی، رو آوردن به مواد

مشاهده میشود که دوشادوش پیشرفت محیر العقول صنعت و تکنولوژی، مفاسد اخلاقی و آلودگی هم در حال پیشرفت و گسترش است، فساد اخلاق در اجتماعات مذکور، چنان بازاریش رونق گرفته و اشاعه پیدا کرده است که زندگی را ملالت‌بار ساخته است بطوری که عده‌ای مرگ را بر آن ترجیح میدهند. چنانکه در جوامع آمریکا، فرانسه، انگلستان، آلمان، و سوئد و سایر کشورهای اروپائی که از لحاظ رفاه زندگی در سطح برتری قرار گرفته‌اند و همچنین علم و دانش سیر تکاملی را پیموده است، میزان انتحار و خودکشی روبه افزایش است، بلیه خانمانسوز خودکشی که نشانه کاملی است از ناخشنودی و عدم رضایت از زندگی خشک و سرد مادی و فاقد معنویت، اکنون بسان يك مرض واگیر قسمت اعظم اجتماعات اروپا و آمریکا را فرا گرفته است.

در این جا آماری از انتحار که نشان دهنده چگونگی سیر صعودی این خطر است، نقل میشود: «فقط در آلمان غربی هر سال ۱۰/۰۰۰ نفر دست بخودکشی میزنند. در بران غربی هر سال در حدود ۱۰۰۰ نفر دست بخودکشی می‌زنند، هر روز بیش از ۵۰ نفر به دکتر «کلاوس توماس»، یکی از روانپزشکان تلفن میکنند و درباره میل به خودکشی با او به مشورت می‌پردازند. دکتر توماس یکی از روانپزشکانی است که تاکنون تحقیقات فراوان درباره خودکشی در کشورهای مختلف جهان به عمل آورده و مشاهدات خود را بصورت کتابی در آورده است دکتر «توماس» در

باصخهای ارزنده‌ای برای صنعتی شدن کشورهای در بردارند اما مسائلی که اکنون با آن مواجهیم از آن مسائلی نیستند که پاسخ آنها را بتوان در آزمایشگاه یافت. مسایل مامعنوی است و علم نمی‌تواند به مسائل معنوی ما پاسخ دهد» دانشمند مزبور در جای دیگر می‌گوید:

«واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که تمدن‌هایی که فقط روی وسائل مادی تکیه کرده‌اند ناپدید شده‌اند».

جامعه‌شناس غربی (گرین) می‌گوید: «پیشرفت تمدن فعلی به‌بهای از دست دادن خوشبختی بشر صورت می‌گیرد، زیرا هرچقدر تمدن پیش میرود احساس گناه انسان نیز افزایش می‌یابد» (۱)

رئیس جمهور سنگال (لئوپولد سنگور) طی مصاحبه‌ای با نویسنده مجله فرانسوی (لوپوان) می‌گوید: «هرچه مردم در کشورهای اروپائی ثروتمندتر و مرفه‌تر باشند قلب و روح خشن‌تر و بی‌عاطفه‌تری می‌یابند» (۲)

و این اعترافات بخوبی می‌تواند نشان دهنده این حقیقت باشد که علم امروز، با همه پیشرفتهایش، نمی‌تواند در اصلاح فرد و جامعه، به‌تنهایی، مؤثر واقع شود. و باید علم همراه مذهب و معنویات، به ارشاد و به‌سازی زندگی جوامع بشری، بپردازد.

مخلد، تشکیل زیرزمینی‌های فساد در اجتماعاتشان، مجسم شده است.

بیرحمی و خشونت، خودخواهی، نفع‌پرستی، حرص و آرزو جمع کردن ثروت در جوامع اروپا و امریکا به‌حد اعلا رسیده است در جوامع صنعتی خودخواهی و نفع‌پرستی بر همه شئون زندگی حق تقدم دارد و اخلاقیات، معنویات و مذهب، و ... فدای خودخواهی و نفع‌پرستی آنها شده است، ایجاد جنگهای ویرانگر و نابودکننده بخوبی نشان داده است که چگونه انسانیت و انساندوستی و خیر-اندیشی و معنویات در دره ذرف خودپرستی و مادیگری سقوط کرده است.

نمونه‌های بالا نمایانگر این حقیقت است که رفاه مادی به‌تنهایی قادر نیست بشر را از هرچیز کامیاب گرداند و خوشبختی و بهزیستی ایده‌آلی را برای او تأمین کند بلکه پیشرفت علم و رفاه مادی فاقد اخلاقیات و معنویات و ایمان بخدا، وسیله‌وسببی شده که بشر را بسوی تنزل و انحطاط و تباهی‌ها بکشاند. روشنفکران و دانشمندان برجسته جوامع غربی هم احساس خطر کرده‌اند و صریحاً هم باین خطر پیشرفت علوم طبیعی و تمدن خالی از معنویت اذعان دارند. مورخ معروف معاصر انگلیسی «آرنولد»  
تو این‌بی، می‌گوید: «پیشرفت‌های علمی اخیر

۱ - مقاله جامعه و شخصیت نویسنده: «گگ - اسمینوف» (مجله نگین ۳۰ بهمن ۱۳۵۲ سال نهم)

۲ - مجله فردوسی سال بیست و پنجم شماره (۱۱۴۹)

تا این جا با معانی مفردات آیه آشنا شدیم و روشن گردید که مودت در قرین، معنائی جز دوستی و -  
قرابت و خویشاوندی ندارد و از این راه مفاد آیه نیز -  
روشن گردید.

در این جا ممکن است گفته شود که: ظاهر آیه جز این نیست که پیامبر نسبت به خویشاوندان در خواست محبت کرده است ولی از کجا معلوم که مقصود از آن، خویشاوندان خود پیامبر است، شاید مقصود این است که هر فردی به خویشاوندان خود مهر ورزد.

**پاسخ:** جای بحث نیست که آنچه پیامبر در این آیه و مشابه آن خواسته است، اجر واقعی نیست زیرا اجر واقعی و حقیقی پیامبر بر عهده خدا است و شعار تمام پیامبران این است که «ان اجری الاعلی رب العالمین»؛ «اجر و مژدمن با پروردگار جهانیان است» (۱) بلکه این يك در خواست فوق العاده است که به صورت ظاهر پاداش شمرده شده است ولی در باطن به نفع مردم و مایه سعادت و هدایت آنها است زیرا دوستی با خاندان پیامبر مایه نجات و موجب هدایت انسانها است و آنان به حکم حدیث متواتر، «کشتی نجات» می باشند.

بنابراین چون این کار رنگ اجر و قیافه پاداش دارد (هر چند در باطن پاداش نیست) نمی توان گفت که مقصود از آن محبت هر فردی به بستگان خود (یعنی صله رحم) است زیرا چنین عملی هر چه هم مستحق باشد هرگز از تالی به پیامبر ندارد از این

جهت نمی تواند رنگ و قیافه پاداش داشته باشد. مثلا احترام يك آفریقائی به آفریقائی دیگر که با هم بستگی خویشاوندی دارند، در عین این که يك عمل بسیار خوبی است ولی در ظاهر ارتباطی به پیامبر ندارد تا پیامبر پس از نفی درخواست هر نوع اجر، يك چنین مژدی از مردم بخواهد.

و به عبارت دیگر اگر مقصود از این جمله این بود که مسلمانان با هم به يك فرضه الهی به نام صله رحم عمل کنند، این مطلب در آیات دیگر گفته شده است و دیگر نیازی نداشت که این حقیقت را با این جمله در او فهم عمومی بیان کند.

**خلاصه:** دوستی با خاندان رسالت طریق و وسیله هدایت و مایه عمل به متن رسالت است و در حقیقت همانطور که در آیه دیگر فرموده است «قل ما سألکم من اجر فهو لکم» (۲) «بگو هر پاداشی از شما خواسته ام برای شما و به نفع شما است» بر حسب ظاهر اجر و مژدی برای پیامبر است ولی در حقیقت هدف، فراهم ساختن هدایت است و پیدا کردن راه به سوی خدا است زیرا دوستی این خاندان مایه پاکی و ایمان و اخلاص است که قرآن آن را در آیه دیگر به صورت مزد طلیده است آنجا که فرمود: «قل ما سألکم علیه من اجر الا من اتخذا لی ربه سیلا» (۳): «مژدی نمی خواهم جز کسی را که برای خدا راهی پیدا کند» اکنون که مفاد آیه روشن گردید لازم است به برخی از سئوالاتی که پیرامون آیه مطرح میگردد پاسخ بگوییم.

بقیه در شماره آینده

۱- سوره شعراء آیه ۱۰۹

۲- به سوره های بقره/۸۳، نساء/۳۶، مائده/۱۰۶، انعام/۱۵۲، انفال/۴۱، توبه/۱۱۳،

نحل/۹۰، اسراء/۲۶، نور/۳۸، فاطر/۱۸، حشر/۷، مرجمه شود ۳- فرقان/۵۷